

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۷۹

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۲ خرداد ۱۳۹۲، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

قطعنامه درباره تقویت و متعین کردن صف انقلاب مصوب پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران با اتفاق آرا



۱- جمهوری اسلامی با يك بحران همه جانبه، فلج و بن بست اقتصادی، استیصال سیاسی، حاد شدن بیسابقه اختلافات درونی، تضعیف جنبش اسلام سیاسی و انزوای بیش از پیش در منطقه دست بگیربان است. از سوی دیگر بر متن گرانی و بیکاری و فلاکت شدید و بیسابقه، نارضائی و اعتراضات کارگران و توده مردم گسترش می یابد و جامعه به سمت يك رویارویی آشکار با جمهوری

محمتم ترین روند سیر اوضاع تبدیل میکند و در چشم انداز قرار میدهد. صفحه ۲

در حاشیه سفر حسن روحانی، قالیباف و محسن رضایی به کردستان! جمهوری اسلامی جایگاهی در میان مردم ندارد!

زاده "مزدور و "نماینده" سابق مجلس، جیره خوار و مدیح گوی جمهوری اسلامی نیز سخنرانی کرده است. در طی يك ماه گذشته قالیباف و محسن رضایی هم به شهرهای کردستان سفر کرده اند. تلاش مذبحخانه اینها برای ایجاد ستادهای به اصطلاح انتخاباتی است. تا کنون سه روز مانده به روز مضحکه انتخاباتی هیچکدام از این مزدورها موفق به ایجاد ستاد به اصطلاح انتخاباتی نشده اند. عدم ایجاد ستاد و ناتوانی کامل اینها به منظور گرم نگه داشتن فضای "انتخاباتی" نتیجه موقعیتی است که جمهوری اسلامی در کردستان دارد.



نسان نودینیان

با نزدیک شدن مضحکه انتخاباتی، سفر نمایندگان به اصطلاح کاندید "احراز صلاحیت" شورای نگهبان به کردستان هم شروع شده است. در چند روز گذشته حسن روحانی به سنندج سفر کرده و با امام جمعه مزدور و مرتجع این شهر "مجتهدی" ملاقات کرده است و در يك جلسه خصوصی هم "جلال جلالی

صفحه ۳

اینجا محله "پشت تپ" یکی از محله های فقیر نشین و محروم شهر مهاباد است



صفحه ۵

گونه امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و تفریحی و ... است. ساکنان این منطقه مردمان شریف و خونگرمی هستند که شغل

بهنام رازی

اینجا محله "پشت تپ" یکی از محله های فقیرنشین و محروم شهر مهاباد است. این محله فاقد هر

پیام زانیار و لقمان مرادی از زندان رجایی شهر کرج به کنگره بین المللی علیه اعدام

چند روز پیش شنیدیم که در رابطه با محکوم نمودن احکام اعدام در دنیا، قرار است در اسپانیا کنگره جهانی علیه اعدام برگزار شود. ما دو جوان زندانی از رجایی شهر کرج این نامه را برای همه کسانی که صفحه ۲



کارگران اعتصابی برای افزایش دستمزد برای پخت هر ۱۰۰۰ آجر ۱۰۰۰۰ تومان بود. کارفرمایان برای پخت هر ۱۰۰۰ آجر تن به پرداخت ۹۰۰۰ تومان دادند و کارگران علیرغم عدم رضایت برای صفحه ۵

اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش با موفقیت به پایان رسید

در اطلاعیه قبلی کمیته کردستان حزب به اطلاع رساندیم که کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش برای افزایش ۵۰ درصد دستمزد دست به اعتصاب زدند. پیشتر کارگران در ازای پخت هر ۱۰۰۰ آجر ۵۰۰۰ تومان دریافت می کردند و خواست

صفحه ۴ ۳۰ خرداد ۶۰ گفتگو با رادیو اتر ناسیونال / منصور حکمت

صفحه ۶ نامه سرگشاده نیما ابراهیم زاده به دادستان

صفحه ۶ نوشته ای از بهنام ابراهیم زاده دقایقی قبل از بازگشت به زندان

صفحه ۷ مختصری از تاریخ یک دوره / عبدال گلپریان / بخش سیزدهم

صفحه ۸ اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش برای افزایش دستمزد

صفحه ۸ کانال جدید به کمک شما نیاز دارد

شریف ساعدپناه به دادگاه احضار شد

بنا به خبری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است روز یکشنبه ۱۹ خرداد شریف ساعد پناه یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی ۳۰ هزار نفری و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد به دادگاه احضار شد. بنا به این خبر شریف ساعد پناه روز یکشنبه صفحه ۶



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ قطعنامه درباره تقویت و ...

۲- تجربه انقلابات منطقه این واقعیت را بیش از پیش تاکید و برجسته میکند که انقلاب تنها با حکومتی که میخواید سرنگون کند مواجه نیست، بلکه طیفی از دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی، از روبرو و یا با ظاهر طرفداری از مردم، با پرچم ناسیونالیسم و اسلام معتدل و دموکراسی و حقوق بشر و غیره و با هدف کنترل اوضاع بعد از سرنگونی حکومت و تحریف و عقیم گذاشتن و نهایتاً به شکست کشاندن انقلاب فعال میشوند.

۳- در شرایط سیاسی ایران نیروهای اپوزیسیون راست، نظیر سلطنت طلبان و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، نیروهای ملی-اسلامی، سازمان مجاهدین، و احزاب قومی در کردستان و آذربایجان و خوزستان و سیستان و بلوچستان، علیرغم تفاوت‌هایشان با یکدیگر، میتوانند به اهرم دخالتگری و تاثیرگذاری دولتهای غربی و دولتهای منطقه تبدیل بشوند.

۴- تجربه انقلابات منطقه بر این واقعیت تاکید میکند که نازوشنی و ابهام در مورد خواستها و مطالبات مشخص و رادیکال در جامعه و بویژه در نزد فعالین و پیشروان انقلاب یک عامل مهم نافرجام ماندن مبارزات مردم است. در شرایط انقلابی مبارزه حول بود و نبود حکومت و علیه چهره های شاخص نظام متمرکز و قطبی خواهد شد اما نفی دیکتاتوری باید در عرصه های مختلف و تا سطح نفی نظام موجود، نفی کل نهادهای اعمال قدرت رژیم و ماشین دولتی، و لغو کل قوانین ارتجاعی حاکم معنی و ترجمه بشود. این یک شرط اساسی مصون ماندن انقلاب در برابر دیسپسها و سناریوها و دولت سازیهای نیروهای ارتجاعی بومی و منطقه‌ای و بین المللی، و یکی از ارکان تامین هژمونی کارگری بر تحولات انقلابی در ایران است.

۵- یک فاکتور مهم دیگر در تقویت و تعمیق انقلاب تنوع و گستردگی مبارزات و اعتراضات و جنبشهای اعتراضی و درجه تعیین و

سازمانیافتگی آنها در شرایط پیشا انقلابی است. جنبشها و کمپینهای اعتراضی معین، با چهره ها و نهادها و تشکلهای مبارزاتی در هر عرصه، در واقع نقطه اتکا و سرمایه انقلاب در برابر کمپ ضد انقلاب محسوب میشوند. هر چه این عوامل فعالتر و در سطح گسترده تری در جامعه حضور داشته باشند انقلاب شباقت کمتری به یک شورش و انفجار ناگهانی و قربت بیشتری به یک حرکت متشکل و متحد و آگاهانه و نقشه مند خواهد داشت و لذا خواهد توانست تا پیروزی نهائی و تحقق آزادی و برابری و رفاه جامعه به پیش برود.

۶- جنبش کارگری میتواند نقش تعیین کننده ای در بسیج و حرکت در آوردن مردم و رادیکالیزه شدن مبارزات و اعتراضات توده ای ایفا کند. هر اندازه ثقل جنبش کارگری در جامعه بیشتر باشد و نهادها و تشکل ها و فعالین این جنبش در جامعه معرفه تر و شناخته شده تر باشند جامعه مصونیت بیشتری در مقابل تعرضات و دخالتگریهای ارتجاعی دول غربی و دیگر نیروهای ارتجاعی و شرایط مساعدتری برای تعمیق و بفرجام رسیدن انقلاب خواهد داشت.

۷- مبارزات و اعتراضات کارگران و بخشهای مختلف مردم در ایران باید چهره و نماینده بین المللی داشته باشد. در عصر ما مبارزه و اعتراض و انقلاب بیش از هر زمان دیگر خصلتی جهانی یافته است. از یکسو توده مردم در برابر یک درصدهای حاکم در همه کشورها بیش از پیش احساس نزدیکی و همسرنوشتی میکنند و از سوی دیگر شکسته شدن انحصار بورژوازی بر رسانه ها و اخبار و اطلاعات و گسترش نقش مدیای اجتماعی توده مردم و نیروهای انقلابی را در یک ارتباط نزدیک جهانی با یکدیگر قرار داده است. در این شرایط اتکا به نیروهای چپ و آزدیخواه و افکار عمومی مردم جهان و بسیج آنها در حمایت فعال از مبارزه و اعتراض کارگران و مردم ایران، در اعتراض جهانی علیه سیاستهای ضدانسانی جمهوری

اسلامی و همچنین در خنثی کردن تمهیدات و سیاستهای دولتهای غربی و نیروهای ارتجاعی منطقه میتواند نقش موثری در تقویت و پیشروی و پیروزی انقلاب در ایران داشته باشد.

۸- حزب کمونیست کارگری خود یک پدیده و فاکتور سیاسی مهم در تحولات جامعه است. نفس حضور و وجود یک حزب کمونیست انقلابی به معنی برخورداری توده مردم و کمپ انقلاب از یک آلترناتیو حکومتی است که میتواند در برابر بالائینها و دولتهای دست ساز آنها قدرت خیابان و انقلاب، قدرت مردم متشکل در شوراها و عروج تشکلهای نوع شورائی بعنوان دولت را نمایندگی کند. این خطرترین و مهمترین وظیفه ای است که در برابر حزب ما قرار دارد. حزب میتواند و باید به قدرت قابل اتکا و اعتماد توده های مردم تبدیل بشود، در صف مقدم اعتراضات و مبارزات مردم ظاهر شود، چشم انداز سوسیالیستی طبقه کارگر را در برابر توده مردم انقلابی قرار بدهد و بعنوان تجلی و مدافع و نماینده اعمال اراده مستقیم مردم در اداره امور جامعه و نیروی شکل دهنده دولت نوع شورائی در جامعه شناخته بشود.

با توجه به نکات فوق حزب فعالیتهای مشخص زیر را در صدر اولویتهای خود قرار میدهد:

الف- اشاعه و توده گیر کردن معنی مشخص سرنگونی جمهوری اسلامی در شکل خواستها و اهداف و توقعات و انتظارات مشخص رادیکال، آزدیخواهانه و برابری طلبانه در عرصه های مختلف و بویژه در عرصه مبارزه علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی زن، و مبارزه علیه مذهب.

ب- نقد و افشای پیگیری نیروهای اپوزیسیون راست (نیروهای ملی- مذهبی، ناسیونالیسم عظمت طلب و نیروهای ناسیونالیست قومی و غیره).

پ- مقابله فعال با سیاستهای دولتهای غربی و دولتهای منطقه در قبال تحولات در ایران و خنثی کردن سناریوها، چهره سازی و دولت

پیام زانیار و لقمان مرادی ...

از صفحه ۱

میروند در این اجلاس و میکوشند اعدام را در همه جا ملغی کنند، مینویسیم، ما محکوم به اعدام هستیم و در یک زندان در شهر کرج در ایران محبوس ایم. ما این نامه کوتاه را مینویسیم شاید صدای بهت زده و لرزان خود را از این طریق به همه دنیا برسانیم. نمیدانیم از کجا و از چه چیزی شروع کنیم، فقط میدانیم که چهار سال است از بهترین دوران زندگی خودمان را بدون هیچ گناهی در پشت این میله هایی که حاکمان برای مستحکم کردن آن و اثبات "حکومت کردن" خود جوانان این دیار را به دار میکشند، میگذرانیم. آری دنیا ببیند ما یکی از این جوانان هستیم. در طول چهار سال هر شب که به خواب میرسیم هیچ امیدیهی به فردای خود نداشته و هر بار با باز شدن درب سلول به خود میاییم و میگویم شاید این بار نوبت ما است که قربانی شویم. قربانی سیاستهای جمهوری اسلامی

مرادی

۱۹ خرداد ۱۳۹۲

بازتکثیر از کمیته بین

المللی علیه اعدام

۱۱ ژوئن ۲۰۱۳

سازیهها و دخالتگریهای سیاسی و نظامی این دولتها.

ح- تلاش پیگیر برای عروج و عرض اندام حزب بعنوان نماینده سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران بقدرت انقلاب؛ پرچمدار خواستها و اهداف انسانی کارگران و توده مردم در برابر کل کمپ راست، دولتهای غربی، دولتهای منطقه و نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون راست؛ آلترناتیو قابل اعتماد و اتکای مردم برای جانشینی حکومت.

حزب کمونیست کارگری با تاکید و تمرکز بر مجموعه فعالیتها و وظایف فوق به استقبال انقلاب میرود و خود و جامعه را برای طوفانی که در راه است و برای مقابله با سیاستها و دخالتگریها و مانورهای نیروهای ضد انقلاب آماده میکند. این در پایه ای ترین سطح پاسخ ما به مساله تامین

رهبری و سازماندهی و به پیروزی رساندن انقلاب در ایران است.*

ت- شکل دادن به کمپینها و آکسیونها و جنبشهای اعتراضی در داخل و خارج کشور. تقویت و گسترش نهادها و تشکلهای اعتراضی و تامین حضور فعال چهره های علنی در این اعتراضات.

ث- تلاش برای تقویت، متحد ساختن و جهت دهی به جنبش کارگری با هدف تامین هژمونی طبقه کارگر هم از نقطه نظر سیاسی در تحولات و در مبارزه بر سر قدرت سیاسی و هم از نظر قدرت و کارساز بودن شیوه های مبارزه نظیر اعتصابات کارگری.

ج- طرح و اشاعه ایده اعتصاب در مراکز تولیدی کلیدی و اعتصاب عمومی.

چ- گسترش فعالیت بین المللی در دفاع از مبارزات مردم ایران و

اطلاعیه پایانی چهلمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



پلنوم چهلم کمیته مرکزی حزب در روزهای ۱ و ۲ ژوئن ۲۰۱۳ (۱۱ و ۱۲ خرداد ۱۳۹۲) با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانب‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم، به یاد رفیق عزیز جانباخته عطا محمدنژاد و به یاد عزیز منصور حکمت شروع شد و در طی دو روز مباحث فشرده با موفقیت به کار خود پایان داد.

حمید تقوائی در سخنرانی افتتاحیه خود به وضعیت سیاسی متحول و ناپایدار در ایران و ضرورت مقابله حزب با کل نیروهای کمپ راست و تمهیدات و سیاستهای دولتهای غربی و دول منطقه در قبال تحولات ایران پرداخت. او با بررسی تجربه انقلابات منطقه بر ضرورت تدارک و ایجاد پیش شرط های سیاسی و اجتماعی برای تجهیز و تقویت صف انقلاب در برابر جمهوری اسلامی و کل نیروهای راست تاکید نمود و گفت حزب باید به این منظور شیوه ها و راهکارهای عملی معینی را در دستور کار خود قرار بدهد.

بدنبال سخنرانی حمید تقوائی و تصویب آئین نامه، دستور پلنوم به این شرح تصویب شد: گزارش رئیس دفتر سیاسی و رئیس هیئت اجرایی حزب و بحث حول گزارشات، اولویت های رهبری حزب در شش ماه آینده، قطعنامه در مورد تقویت و متعین کردن صف انقلاب، بررسی قرارهائی که به پلنوم ارائه شده بود و مبحث انتخاب دبیر کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی.

مصطفی صابر، رئیس دفتر سیاسی در گزارش خود بر ضرورت معرفی شدن رهبری حزب برای بخش

های هرچه وسیعتری از جامعه تاکید کرد. که قبل از هرچیز به تلاش بیشتر خود این رهبری در اتخاذ یک سبک کار اجتماعی و پیشروی در جهت دخالتگری وسیعتر در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی ایران گره خورده است.

اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارش فشرده ای از عملکرد ارگانها و کمیته های حزبی، کمپین ها، کانال جدید، نشریات و فعالیت های بین المللی و همینطور گزارش مالی حزب ارائه داد، ضعف ها و موانع پیشروی حزب را مورد بررسی قرار داد و مشخصا به چند قلم از اولویت های تعیین شده در پلنوم قبل که مانند ۲۴ ساعته شدن کانال جدید عملی شد و یا قدم های اولیه ای که در زمینه مدرنیسم و استفاده موثرتر از مدیای اجتماعی و همینطور جنبش رهایی زن برداشته شد، اشاره کرد. او همچنین از تعدادی از کادرهای حزب که بخش مهمی از فعالیت های روزمره حزب در عرصه های مختلف را بدوش دارند از طرف هیئت اجرایی حزب قدردانی کرد و دسته گلی تقدیم فریده آرمان کرد که همچنان الگوی دلسوزی، پرکاری و راندمان بالائی از فعالیت حزبی بوده است.

بدنبال ارائه گزارشات، اعضای کمیته مرکزی و همینطور مشاورین و کادرهای حاضر در پلنوم به بحث و اظهار نظر حول آن پرداختند و جوانب مختلف فعالیت حزب را بطور مفصل مورد بحث و بررسی قرار دادند و در مورد عرصه های متنوع فعالیت حزب در ایران و در سطح بین المللی اظهار نظر کردند و پیشنهادات خود را به پلنوم ارائه دادند.

در ادامه گزارشات، حمید تقوائی در معرفی اولویت های شش ماه آتی صحبت کرد و حاضرین در پلنوم نکات اصلاحی و تکمیلی خود را مطرح کردند.

دستور بعدی بحث حول قطعنامه درباره تقویت و متعین کردن صف انقلاب بود. بحث حمید تقوائی در معرفی این قطعنامه به

توضیح سیاستها و تمهیدات نیروهای راست در قبال تحولات سیاسی در ایران، اهمیت و ثقل جنبش کارگری در تقابل با این نیروها و در تقویت صف انقلاب، ضرورت شکل دهی به نهادها، چهره ها، کمپینها و جنبشهای اعتراضی در یک مقیاس اجتماعی، و نقش و جایگاه حزب بعنوان یک پدیده سیاسی موثر و دخیل در تحولات اختصاص داشت. پلنوم بعد از بحث و تبادل نظر در مورد بندهای مختلف قطعنامه و اصلاحیه های پیشنهادی به اتفاق آرا قطعنامه را به تصویب رساند.

در مبحث قرارها یک قرار در پلنوم به تصویب رسید و بررسی و تکمیل قرار دیگری به دفتر سیاسی سپرده شد. متن اسناد مصوب پلنوم جداگانه منتشر خواهد شد.

در جوار پلنوم همچنین سه سمینار تحت عناوین جنبش کارگری، تکنولوژی و مدیای اجتماعی و سازماندهی در ایران به ترتیب توسط شهلا دانشفر، رضا مرادی و محمد آسنگران برگزار شد.

در مبحث انتخابات حمید تقوائی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد. همچنین ۲۱ نفر به عضویت دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند. که به ترتیب عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزاد، اصغر کریمی، خلیل کیوان، شیوا محبویی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه. پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوائی پایان رسید.

در نشست کوتاه دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد کاظم نیکخواه به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ ژوئن ۲۰۱۳
۱۶ خرداد ۱۳۹۲

از صفحه ۱ در حاشیه سفر حسن روحانی،...

حتی خودیهای اینها از "جلال جلالی زاده" تا سایر مزدوران و جیره خواران نتوانسته اند ستادهای به اصطلاح این مضحکه انتخاباتی را راه بیندازند. رسوایی مزدوران محلی و البته پراکنده بودن و سردرگمی طیف اصلاح طلبان کرد با عدم احراز صلاحیت رفسنجانی توسط شورای نگهبان صفوف اینها را بیشتر از هر دوره ای پراکنده و مایوس کرده است. هر اقدام و حمایت اینها از هر طیف از این کاندیداها خود نیز با موانع جدی روبرو شده است. جمهوری اسلامی که البته در میان مردم پایگاهی ندارد. مردم در شهرهای کردستان در طول سه دهه گذشته به "انتخابات" جمهوری اسلامی نه گفته اند. حسن روحانی، قالیباف و محسن رضایی با کل جمهوری اسلامی در میان مردم کردستان جایگاهی ندارند. و بشکل ابژکتیو هم ثابت شده است که نمیتوانند به "نیروهای" خودی از طیف های مختلف و اصلاح طلبان هم متکی شوند. استاندار و نیروهای انتظامی هم نمیتوانند کاری برایشان بکنند. در اوج سرکوب و سیاست میلیتاریزه کردن شهرهای کردستان جواب میلیونی مردم در شهرها شرکت نکردن در این نوع انتخابات ها بوده است. مردم در شهرهای کردستان بارها مضحکه انتخاباتی را بر سر نظام جمهوری اسلامی خراب کرده اند. در شهرسندج تجمعات توده ای هزاران نفری را در روز انتخابات برگزار کرده اند. در مهباد دکه های انتخاباتی مزدوران را به آتش کشیده اند. در یک کلام، در شهرهای کردستان مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی میدان اعتراض و نارضایتی و نفرت از جمهوری اسلامی است.

حسن روحانی، قالیباف و محسن رضایی و امام جمعه مزدور و مرتجع "مجتهدی" خوب میدانند! جمهوری اسلامی در میان مردم در ایران و کردستان مترادف بوده است با مرگ و کشتار و اعدام و

ترور و سنگسار و شکنجه و ارباب و فقر و فلاکت و بیکاری و اعتیاد و خودکشی و تن فروشی و در یک کلام تحمیل بی حقوقی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به توده کارگر و زنان و مردان! جمهوری اسلامی در سراسر ایران چیزی جز بساط زورگویی و باجگیری و اعدام و شلاق یک مشت جانور اسلامی نبوده و نیست. جمهوری اسلامی نه تنها جنایات بیشماری در کردستان که جنگ ویرانگر ایران و عراق، که کشتار و سرکوب خرداد ۶۰ و شهریور ۶۷، که اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، که تحمیل آپارتاید جنسی و دهها نوع از ترور و جنایت و وحشیگری را در پرونده خود دارد، در طول سالیان دراز با میلیتاریزه کردن شهرهای کردستان عرصه زندگی عادی را بر مردم تنگ کرده است، با سیمای کثیف یک رژیم سرا پا مسلح و جنایتکار نزد مردم شهرهای کردستان شناخته شده است. به همین دلیل سفرهای اینها در خلا و تا بدایر امنیتی بالا و در محافل "خودیهای" مزدوران رژیم از جمله امام جمعه ها و نمایندگان سابق و کنونی و اصلاح طلبان کرد که از قبل ادامه عمر ننگین این نظام کثیف اسلامی به زندگی پر از ننگ و نکبت بار خود ادامه میدهند، انجام میدهند. مراکز شهرها جای سخنرانی و تبلیغاتی این مزدوران نیست. اینها از فرط نفرت مردم از نظام جمهوری اسلامی مجبورند بشکل مخفی وارد شهرها بشوند و در شکل مخفی شهر را ترک کنند.

اکنون که دیوار جنایت و بربریت و کشتار جانبان جمهوری اسلامی بهمت مبارزه کارگران و زنان و جوانان و مردم آزادیخواه ترک خورده است، مردم برای بزیر کشیدن کلیت جمهوری اسلامی دارند قدرت خود را به نمایش میگذارند.

۲۱ خرداد ۱۳۹۲

۱۱ یونی ۲۰۱۳



۲۳ خرداد ۱۳۷۹

راديو انترناسيونال : اجازه بدهيد با يك نقل قول از مقاله **"تاريخ شكست نخوردگان"** که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسيد، شروع كنيم. شما در پايان اين مقاله نوشته ايد: "بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اكثر انقلابات، نهايتا نه با فريب و صحنه سازي، بلکه با سرکوبی خونين به شکست کشيده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه‌گذارها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور می‌چسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملاً با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور را که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود را به ۳۰ خرداد وصل کرده‌اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

منصور حکمت : بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه می‌کنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده‌ای از آن دوران ندارند، مگر آن تاریخ را بازبینی کنند) متعجبند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی‌اش، با زندانهایش، با شکنجه‌هایش بی‌باک شدند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی فعالیت‌های سوسیالیستی وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس

۳۰ خرداد ۶۰ گفتگو با راديو انترناسيونال

مخفی بود. جامعه‌ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروتهای انبوه. مردم علیه اینها بی‌خاستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مترجع، علیه مدنیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه‌ای از جامعه ایران بود، پر و بال می‌گیرد. یکی از شخصیت‌های این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را برمی‌دارند و به پاریس می‌برند و زیر نورافکن می‌گذارند. از آن وقت رسانه‌ها و دولت‌های غربی وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ می‌کنند.

بالاخره ژنرال هويزر از طرف دولت آمریکا می‌آید با ارتش صحبت می‌کند و وفاداری ارتش را به خمینی می‌گیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری می‌کنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام می‌کنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در روی نظامی شکست میدهند. اما محصول این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

منتهی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ می‌گذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست... یک دوره نسبتاً باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد وسیعاً سرکوب کند، هر چند چماق‌داری هست، چاقو کشی هست، اسلام‌گرایی هست. خلخال‌های همان موقع برای رژیم جلادی می‌کنند، با این وجود رژیم این قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلای مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند. احزاب سیاسی از همه جا سر درمی

منصور حکمت : این يك کودتای خشن بود و بر مبنای اعدام و کشتار وسیع پیروز شد. مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان خودشان را ببندند و طرف برود خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلائی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هر کسی که بنظرشان قیافه‌اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته می‌خواسته بریزد به چشم سپاه و کمیته‌چی‌ها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، می‌گرفتند می‌بردند همان شب میکشند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان میشینند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا می‌کنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک خواهد ریخت.

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل‌کشی در رواندا، به مراتب وحشتناکتر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدیهای مهم انسانی قرن بیستم است. زند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین‌ترین و پرشورترین و آزادیخواهترین انسانها را، بقتل رساندند تا سر کار بمانند.

راديو انترناسيونال : رهبران جمهوری اسلامی که الان بجان هم افتاده‌اند، در آن موقع، همه با هم در این سرکوب شریک بودند، منظورم جناح راست و دوم خرداد است که چند تا از دوی خردادیها را اسم ببرم... بهزاد نبوی آن موقع سخنگوی دولت بود و الان از رهبران جبهه دوی خرداد است، حجابیان از سازمان دهندگان سازمان مخوف اطلاعات بود و خود خاتمی در دولت بود. چطور شد که اینها یکپارچه از سرکوب ۳۰ خرداد بیرون

آمدند و الان بجان هم افتاده‌اند؟

منصور حکمت : جناح‌بندی همان موقع در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح‌بندی که الان می‌بینیم نبود. بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی‌ها در صف مقدم حکومت بودند. صف‌بندی‌ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دوی خرداد است، خود اولین قربانی خط امامی‌هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دوی خرداد هستند. دولت آنموقع دست این خط امامی‌ها بود. منظورم کابینه است. همانطور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دوی خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافظی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده‌اند و دم‌سکرات شده‌اند و بخودشان می‌گویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه‌گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نسبش به ۳۰ خرداد می‌رسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه‌ای. این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان یک مرتجع جلا و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود، در رأس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه می‌زدند.

فکر می‌کنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند.

در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگه‌دارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاششان همین است. می‌خواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سر پا نگاه دارند.

راديو انترناسيونال : آیا میشود گفت که به این ترتیب دوم خردادیها

حقوق چپاول شده را از حلقوم کارفرمایان و استعمار کننده گان بیرون کشید.
این اعتصاب در عین حال راه را برای کارگران سایر کوره خانه ها باز کرد. حزب کمونیست کارگری کارگران کلیه کوره خانه ها را به مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزد فرامیخواند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ خرداد ۹۲
۱ ژوئن ۲۰۱۳

اعلام کرده اند که این پایان کار نیست و در آینده بر سر افزایش دستمزدهای بیشتر دست به اعتصابات دیگری خواهند زد.
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اعتصاب پیروزمندانه کارگران کوره های ساروقامیش را به همه کارگران و خانواده های آنان تبریک می گوید.
اتحاد و همبستگی کارگران در این اعتصاب کلید موفقیت برای رسیدن به خواست افزایش دستمزدها بود. تنها با قدرت اتحاد و همبستگی است که می توان



این افزایش دستمزد آترا پیروزی بزرگی برای خود دانسته و به اعتصاب پایان دادند. کارگران

از صفحه ۱ اینجا محله "پشت قپ" ...



دروغ پردازی و دادن وعده های سر خرم که هیچگاه هم به آن عمل نکرده و نخواهند کرد، می خواهند مردم را به پای صندوق های رای بکشانند.

هر چهار سال يك بار این سیکل حقه بازی و دروغ پردازی تکرار شده و هر دوره مردم بیشتر به ماهیت این سیستم دزد و چپاولگر و دروغگو پی برده اند. مردم دیگر گول این سیاه بازی ها و دروغ پردازیها را نخواهند خورد. مردم به این حقیقت پی برده اند که با رای دادن به این سیستم کثیف و متعفن هرگز نیازهایشان برآورده نخواهد شد. و رای دادن به اینها یعنی تداوم بیشتر این فقر و بردگی. امید است که مردم مهاباد هوشیار و آگاه باشند و با سوت و کور گذاشتن مضحکه انتخاباتشان و با برپا کردن فضای اعتراض در همه جا بساطشان را برسرشان خراب کنند. خالی گذاشتن صندوق های رای يك "نه" بزرگ به جمهوری اسلامی است. باید بساط دروغ و دزدی و چپاولشان را درهم بکوییم.

زنده باد حکومت کارگری
زنده باد سوسیالیسم.

حقوقی چهره کریه خود را نمایان می سازد.
در هیچ رسانه ای و در هیچ شبکه تلویزیونی جمهوری اسلامی از فقر و بی حقوقی این مردم سخنی به میان نمی آید. گویا اینها در سیاره ای دیگر زندگی میکنند. کسی صدای فریاد این مردم را نمی شنود، کسی آنها را نمی بیند و دردهایشان را نمی فهمد. گویا از جامعه طرد شده اند. دولت هیچ توجهی به این مردم ندارد و اگر اعتراضی از طرف آنها صورت بگیرد به شدت سرکوب می شود. این تنها منطقه ای نیست که در این وضعیت قرار دارد، بلکه محله های دیگری هم در حاشیه شهر هستند که وضعیتشان بهتر از اینجا نیست.

در حالیکه مردم در این وضعیت اسف بار بسر می برند و پشتشان زیر بار گرانی و هزینه های سرسام آور زندگی خم شده است، جمهوری اسلامی به فکر برگزاری مضحکه انتخابات ریاست جمهوری و شورای اسلامی شهرها است. در آستانه مضحکه انتخابات تعدادی افراد سودجو و نان به نرخ روز خور که خود را کاندید برای شورای اسلامی شهر کرده اند، به خاطر اینکه از دزدی ها عقب نمانند مثل همیشه به قصد جمع آوری رای، دست به دامان این مردم بیچاره شده و سخنرانی ها و نشست هایی را در این محله ها برپا کرده اند و با

اکثرشان کارگر ساختمانی و کارگری در کوره پزخانه ها است. شاید در نظر يك رهگذر که با این شهر آشنا نباشد و برای اولین بار پا به این منطقه می گذارد، اینجا يك اردوگاه دورافتاده ایست که ساکنانش به خاطر ارتکاب جرم به زور در آن اسکان داده شده اند و دوران محکومیتشان را می گذرانند. بدون شك این تصویر است که برای اولین بار در ذهن هر بیننده ای نقش می بندد. بسیاری از خانه های این منطقه فاقد لوله کشی گاز است و مردم مجبور هستند برای پخت و پز از سیلندرهای گاز و برای گرم کردن خانه هایشان از نفت سفید استفاده کنند که تهیه آن با هزینه های زیاد و مشقت فراوانی همراه است.

کودکانی که در این منطقه بزرگ می شوند عملاً زندگی شان تباه شده و با بی امکاناتی، بی حقوقی و سختی های بسیاری دست و پنجه نرم می کنند. کودکان با فرارسیدن فصل بهار و پایان مدارس بهمراه خانواده هایشان به کارخانه های آجرپزی رفته و مشغول کار می شوند و یا در داخل شهر به شغل های دیگری گماشته می شوند. آنها از هر گونه تفریح و بازیهای کودکان محرومند. در این منطقه حتی يك پارک کوچک برای بازی کودکان یافت نمی شود.

فقر بیداد می کند و اینجاست که نابرابری و بی عدالتی و بی

افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جانبختگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

منصور حکمت : فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول يك جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولاً باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، افشا بشود و فراموش نشود.

ثانیاً این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس اند، در کابینه اند، رئیس قوه قضائیه اند، رهبرند، رئیس ارتش اند، سران سپاه پاسداران اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهایش، علیه شخصیت هایش از خمینی و بهشتی، تا خاتمی و خامنه ای و رفسنجانی و گیلانی، و همه کسانی است که در این روند نقش داشتند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

به نقل از انترناسیونال هفتگی

شماره ۵۸

۲۵ خرداد ۱۳۸۰

از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

منصور حکمت : ایداً! دوم خردادبها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادبها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکنند، البته بعدها در دادگاههایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکنند. الان کاری نمیکنند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتاً همان شاخصی است که خودی و غیر خودی را تعریف میکند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودیها پا بیرون میگذارد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پولهایشان را بردارند و بروند لس آنجلس. سر و کار بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میدانند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتواند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.

راديو انترناسیونال : حزب کمونیست کارگری يك کمپین



www.hekmat-public-archive.net
www.wpiran.org

نامه سرگشاده نیما ابراهیم زاده به دادستان



برگشت پدر و خواست من و کودکان زندانیان سیاسی

دیروز بود که پدرم را برای برگشتن به زندان بدرقه کردم. مثل این که آقای دادستان حرف کسی را گوش نمیدهد و تاکید پزشک قانونی و پزشکان بیمارستان محک را مبنی بر بودن پدر در کنار من را نادیده گرفته است حال دیگر چکار کنم دلم بر این خوش بود که پدرم در کنارم هست و مرا در شکست دادن بیماری کمک خواهد کرد اما جناب دادستان بازهم دست بکار شد و پدرم را به زندان احضار کرد من نمیدانم که جدا کردن پدری از فرزندش که مبتلا به سرطان است چه نفعی برای آن ها دارد! هنوز با بیماری سازگار نشده ام که عده ای پدرم را از من جدا کرده اند حال علاوه بر مبارزه با بیماری باید چشم انتظار آزادی پدرم باشم شما که در بهترین دوران زندگی ام که ده یازده ساله بودم حق داشتن

از صفحه ۱ شریف ساعدپناه به ...

خفه و زندانی کنند. کارگران معترض که تعدادی از آنها هم اکنون در زندان هستند هیچ جرمی مرتکب نشده اند. مجرم واقعی سران و کاربدستان حکومت جنایتکار، فاسد و دزد اسلامی هستند که تا کنون جامعه ای را به تباهی کشانیده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری احضار و بازداشت فعالین کارگری را محکوم می کند. اتهام اقدام علیه امنیت ملی بر علیه فعالین کارگری پوچ تر از آن است که کسی را متقاعد سازد. عضویت در تشکلهای کارگری، مبارزه برای احقاق حقوق کارگران و مردم، حق انکار ناپذیر کارگران و مردم معترض است. فعالین کارگری در بند و همه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ خرداد ۹۲

۱۰ ژوئن ۲۰۱۳

نوشته‌ای از بهنام ابراهیم زاده دقیقی قبل از بازگشت به زندان



عزیزان در لحظات و دقیق بازگشتم به زندان بغض گلویم را گرفته و احساس غیر قابل وصفی دارم. بجا گذاشتن نیما و همسرم در لحظاتی که بیشترین نیاز به اینکه در کنارشان باشم را با تمام وجودم احساس میکنم بطرز غیر قابل تصویری سخت و سهمگین است. صدای ضربان قلبت را میشنوی اما نفس کشیدن بسیار دشوار است. کلامی برای گفتن نمیابم. تلاشی دشوار برای لبخندی به هر بهانه ای بخصوص وقتی نیمای عزیزم هم تلاش میکند ازاراحتی و نگرانی من بکاهد کاری دشوار است درحالی که لحظات باهم بودن بس کوتاه است و باید تنهائیش بگذارم. صحبت کردن برایم در این لحظات بسیار سخت است.

نوشته‌ای از بهنام ابراهیم زاده دقیقی قبل از بازگشت به زندان اجازه می‌خواهم در دقیق آخر مرخصیم با شما انسانهای آزادیخواه و شریف سخن بگویم و این لحظات سخت را با شما همسرنوشت‌هایم شریک شوم.

تصاویر انبوهی در مقابل چشم است نمیتوانم از نیمای عزیزم چشم بردارم. عمق نیازش در این لحظات به بودن من در کنارش را میشود از حرکت و هر کلمه اش خواند، درداور است برای هر پدری، همسرم تاب نگاه کردن در چشمان نیما و مشاهده این لحظات را ندارد. چه روز سخت چه لحظات سنگینی است چه دشوار و تلخ روبه پایان است. این خانه از پایه ویران است باید از نو ساخت.

سوالی که بلافاصله به ذهن میرسد این است، چه جرم سنگینی یک فعال کارگری و حقوق کودک مرتکب شده است که سزایش سیری کردن عمر و زندگیش پشت میله های زندان است؟ دقیق بسرعت

میگردند و من نمیتوانم منسجم صحبت‌م را با شما در میان بگذارم فریاد میزنم من جرمی مرتکب نشده‌ام که این چنین باید خودم و خانواده ام تحت بدترین شرایط جسمی روحی و روانی قرار بگیریم.

دیروز در سالن شیره‌ی جوانان فریاد برآوردند زندانی سیاسی آزاد باید گردد. سخنم خطاب به جوانان به کارگران و به زنان و مردم ایران این است این شعار باید محور هر تجمع و گردهمایی باشد. میدانید همندان من در زندان چه کسانی هستند؟ کسانی که خواستشان آزادی و برابری و رفاه مردم بوده است. کسانی که بهترین سالهای زندگیشان را در سلولهای افرادی در بندهای زندانهای اوین، رجائی شهر، گوهردشت و دیزل آباد سپری میشود، حرفشان چیست و چه میگویند؟ آنها صدای انسانیت و یک زندگی انسانی هستند.

کارگران و فعالینی که گفتند ما کارگران حق داریم تشکل مستقل خود را داشته باشیم. ما در مقابل عرق ریخته برای گذران زندگیمان باید حقوق‌هایمان پرداخت شود. جوانان و دانشجویانی که در زندان بسر میبرند آنهایی هستند که خواهان شرایط آزاد برای جوانان و دانشجویان بودند و اعلام کردند دانشگاه پادگان نیست. زنانی در زندان هستند که در تجمعات مختلف سینه سپر کردند و خواهان

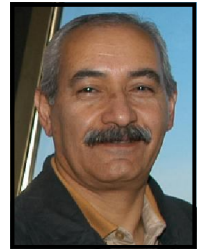
حقوق برابر برای شهروندان این جامعه شدند و علیه بی حقوقی همسران، خواهران، دختران و مادران ما لب به اعتراض گشودند. زندان جای هیچکدام از آنها و پاسخ خواسته های برحق آنان نیست.

در این لحظات فقط میتوانم بگویم وجدانهای بیدار انسانهای مبارز و همسرنوشتانم شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد؛ را باید وسیعاً اجتماعی کرد و خواهان آزادی بی قید شرط و فوری تمامی زندانیان سیاسی شد. بهترین انسانها، شریفترین انسانها و عزیزترین فرزندان این جامعه در زندانها اسیر هستند.

دوستان و همسرنوشت‌هایم؛ در این لحظات بسیار دشوار لازم میدانم از تمامی شما عزیزانم از شما فعالین کارگری، زنان و جوانان فعالین جنبش کودکان و از تشکلهای کارگری در سراسر دنیا که من و خانواده‌ام را حمایت کردند صمیمانه تشکر و قدردانیکنم. و همچنان خواهان ادامه و گسترش این حمایتها باشم. هر انسان آزادیخواه میتواند صدای ما زندانیان در بند باشد. جای کارگر زندان و بند و اسارت نیست.



مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سیزدهم



عبدل کلپریان

بعد از چند ماه ماموریت در مناطق اشغالی، در اوایل پاییز ۶۲ به مناطق تحت کنترل نیروهای خود در کلاترزان برگشتیم. کلاترزان در شمال غربی شهر سنندج قرار داشت که روستاهای شمالی ترین منطقه هنوز در دست نیروهای ما بود. این ماموریت علاوه بر تبلیغ و ترویج و سازماندهی در میان مردم و فعالین، سخنرانیهای متعدد آمد و رفت خانواده رفقا از شهر به نزد ما، یک سری عملیاتهای نظامی را هم شامل می شد که بعضا به نوعی به ما تحمیل می شد و بعضا هدفمند و با نقشه از پیش طرح ریزی شده از سوی فرماندهان نظامی با گرفتن مسیر جاده و صحبت با مسافران، تصرف یا زدن ضربه به پایگاههای نیروهای رژیم همراه بود. اما آنچه که برجستگی خاصی به این ماموریت چند ماهه می داد حضور ما در میان مردمی بود که در منطقه تحت تسلط پایگاه های رژیم زندگی می کردند و بدون استئنا بر بلندبادهای مشرف بر هر روستایی نیروهای رژیم در این پایگاهها مستقر بودند. این اولین تجربه نفوذ به مناطق اشغالی دور دست محسوب می شد. برای من تجربه پر ارزشی بود چرا که در سالهای بعد از آن با واحدهای کوچکتر بنام دسته سازمانده و بعدا واحد شهر با همین شیوه و برای مدت زمان طولانی تری در مناطق کاملا تحت کنترل نیروهای رژیم فعالیت می کردم. در ادامه به این نوع از ماموریتها اشاره خواهم کرد.

جنگ کومه له و حزب دمکرات تحول دیگری که باید به آن اشاره کنم جنگ مابین کومه له و حزب دمکرات کردستان ایران بود. این جنگ را حزب دمکرات به کومه له تحمیل کرد. دلیل آنهم این بود که حزب دمکرات کردستان بعنوان یک حزب ناسیونالیستی به مذاقش خوش نمی آمد که بعنوان حزب سرمایه داران کرد ارزش یاد شود.

تبلیغ و افشاگری کومه له از رادیو رو به مردم و کارگران شهر و روستاها در مورد بورژوا ناسیونالیستی خواندن حزب دمکرات تنها به بد مذاقی این حزب خلاصه نمی شد بلکه معتقد بود که باید با زور جلو این تبلیغات گرفته شود و عملا با تحمیل جنگ به کومه له در مقابل آزادی بیان قد علم کرد. پاسخ متقابل نظامی کومه له به قلدری حزب دمکرات امری ضروری بود چرا که در غیر این صورت بعنوان یک تاز میدان و سرکوب آزادی بیان و ابراز عقیده در مناطق آزاد شده و سپس در سراسر کردستان، آن نقشی را بر عهده می گرفت که حاکمیت مرکزی در سرکوب این آزادیها در سراسر کشور از خود بنمایش گذاشته بود. علاوه بر پاسخ نظامی به حزب دمکرات، کومه له در گشتهای سیاسی در مناطق روستایی ماهیت قلدرمشانه این حزب را برای مردم روشن می کرد. اکثر مردم شهر و روستاهای کردستان به حمایت از کومه له برخاستند چرا که مردم خود نیز از نزدیک شاهد برخوردهای زورگویانه افراد و نیروهای حزب دمکرات نسبت به خود نیز بودند.

در بسیاری از روستاها مردم با جمع آوری طومار اعتراضی نسبت به اعمال حزب دمکرات و به حمایت از کومه له برخاستند. نتیجه این جنگ که تلفاتی از هر دو طرف را با خود به همراه داشت نهایتا به شکست این حزب در دو جبهه انجامید. یکی شکست نظامی و دوم شکست سیاسی. بعد از آن کومه له آتش بس یکطرفه اعلام کرد. حزب دمکرات علاوه بر شکست سیاسی نظامی در این جنگ بدست کمونیستها و تضعیف شدنش در پروسه این جنگ از درون دچار اختلاف و تشتت شد که این خود نیز ضربه دیگری بر این حزب محسوب می شد و آنرا دچار انشعاب کرد. بخشی که از این حزب تحت نام "رهبری انقلابی" و در مخالفت با ادامه جنگ انشعاب کرد از جانب کومه له مورد حمایت قرار گرفت. سیاست آندوره کومه له در برخورد به حزب دمکرات مبنی بر اعلام آتش بس یکطرفه و حمایت از بخش انشعایی، سیاستی بود که منصور

حکمت منصور حکمت آنرا نمایندگی میکرد. از طرف دیگر گرایش ضعیف ناسیونالیستی درون کومه له علاقمند بود تا همچنان بر طبل جنگ بکوبد. این سیاست هدفش عمدتا رقابت با حزب دمکرات بود.

حزب دمکرات کردستان ایران قبل از انقلاب ۵۷ و بعد از آن بعنوان نماینده خانها، مالکان، شیوخ منطقه و بلاخره سخنگوی بورژوازی کرد، خود را تنها حزب مطرح در کردستان می دانست. در حمایت از مالکان منطقه و علیه زحمتکشان روستاها دست به اسلحه برد. تاب تحمل آزادیهای سیاسی، حقوق برابر زن و مرد و آگاهی کارگران و زحمتکشان را نداشت. ایستادگی و پاسخ کومه له به عریده کشی حزب دمکرات در محدود ساختن فضای باز سیاسی در کردستان سبب ایجاد فضای بازی در میان مردم بویژه در مناطق آزاد کردستان شد. در تاریخ مبارزات مردم کردستان برای اولین بار یک جریان کمونیستی قادر شده بود با اتکا سیاست روشن و با اتکا به مردم و کارگران، حزب مدافع سرمایه داران کرد و مالکان در کردستان را به عقب براند و آنرا سر جای خود بنشاند. این موفقیتی برای کارگر و توده های مردم کردستان بود. کومه له در این آزمون تاریخی سربلند بیرون آمد. کارگر و زن در کردستان توانست احساس غرور کند که دیگر ناچار به تمکین کردن به تحکم و زورگویی های حزب ناسیونالیست کرد در کردستان نباشد.

پرداختن به این مسئله خود به تنهایی موضوع جداگانه ای است که شاید ویژه تر و بطور کنکرت باید بر سر آن گفت و نوشت. نتایج حاصله از قلدری حزب دمکرات و پاسخ کمونیستها به حزب ناسیونالیست کرد در یک مضاف سیاسی نظامی نقطه پایانی بر میداننداری و یکه تازی حزب ناسیونالیست کرد یعنی حزب دمکرات کردستان ایران بود که هیچ سازمان و نیروی سیاسی دیگری را بویژه گرایش چپ و کمونیستی را برسمیت نمی شناخت. آن جنگ نزدیک به سه سال بطول انجامید. درسی که این جنگ در بر



رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات را از سر راه برداشت.

**برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!**

داشت این بود که کارگران، مردم زحمتکش شهر و روستا و زنان در جامعه کردستان احساس قدرت و ابراز وجود کردند. حزبی که به تاریخ مبارزاتی خود برای سهیم شدن در قدرت می بالید و خود را یک تاز میدان می دانست، بعد از شکستش این توهم در جامعه کردستان را کنار زد که گویا میشود با پیشینه و تاریخچه سر مردم کردستان کلاه گذاشت. تلاشهای این حزب در مقطع بقدرت رسیدن جمهوری

اسلامی و برای سهیم شدن در قدرت که بر بستر آن به سازمانهای سیاسی می تاخت، نامه های فدایت شوم برای خمینی و دولت موقت می نوشت و نیروهای ارتش و سپاه را در حفاظت خود به پادگانها بدرقه میکرد، بخشی از تقلاهای حزب دمکرات کردستان ایران در مقطع انقلاب سال ۵۷ برای خوش خدمتی به خمینی و در تقابل با منافع مردم کردستان است.

ادامه دارد

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrswwift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

کانال جدید به کمک شما نیاز دارد

شرایط بسیار متحول سیاسی در ایران، کانال جدید روزانه ۲۴ ساعت برنامه پخش میکند و مردم تشنه آزادی و رهایی از شر حکومت اسلامی را دور خود جمع میکند. کانال جدید يك قطب سیاسی مهم جامعه است. به مردم راه متحد و متشکل شدن و مقابله با جمهوری اسلامی نشان میدهد و در مقابل جنبش های راست و ملی مذهبی و قومپرست، مردم را به خواست های روشن و انسانی مجهز میکند. کانال جدید به همین خاطر خاری در چشم جمهوری اسلامی و ابزار گرانبهای برای کارگران و زنان، برای جوانان و آزادیخواهان است.

به این کانال کمک مالی کنید. اسپانسر آن شوید. دیگران را تشویق به کمک مالی کنید. این کار را در شهر و محل سکونت خود سازمان دهید و تضمین کنید که کانال جدید مشکل مالی نخواهد داشت. از همین امروز دست به کار شوید.

کانال جدید
۱۸ خرداد ۱۳۹۲
۸ ژوئن ۲۰۱۳

آن، بسیار بیشتر شده است و مثل همیشه تامین کنندگان کانال جدید علاقمندان و بینندگان آن هستند. سال ۸۸ در اوج اعتراضات توده ای در ایران و در اوج محبوبیت کانال جدید با میلیون ها بیننده، جمهوری اسلامی با پارازیتی سنگین، کمپانی مربوطه را تحت فشار قرار داد و کانال جدید بسته شد. بدنبال آن کانال جدید هرچند ادامه یافت اما برنامه هایش به روزی دو تا ۴ ساعت کاهش یافت. اکنون بار دیگر و در

کانال جدید باز هم ۲۴ ساعته شد و بلافاصله مورد استقبال گرم انبوه مشتاقان این کانال قرار گرفت. سیل تلفن به مسئولین و برنامه سازان این کانال شروع شده و مردم تشنه آزادی و رهایی دلگرمی و خشنودی خود را از ۲۴ ساعته شدن کانال محبوب خود ابراز میدارند.

کانال جدید اما برای ادامه کاری خود به کمک شما نیاز دارد. هزینه های کانال جدید با ۲۴ ساعته شدن

کانال جدید ۲۴ ساعته میشود

کانال جدید بزودی برنامه های ۲۴ ساعته خود را از کانال "نگاه شما" در شبکه هاتبرد شروع میکند.

برنامه های آزمایشی ما از روز ۹ خرداد (۲۰ مه) از این کانال پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیگنل ریتم: ۲۷۵۰۰

۳/۴:FEC

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

یادآوری میکنیم که برنامه های کانال جدید در شبکه کورد کانال همچنان تا روز ۲۰ خرداد اسامال (۲۰ ژوئن) ادامه خواهد داشت.

کانال جدید

۷ خرداد ۱۳۹۲، ۲۸ مه ۲۰۱۳

اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش برای افزایش دستمزد

غیر انسانی در کوره ها می کنند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش از کارگران و مردم شهرهای منطقه می خواهد که به هر شکل که میتوانند از خواست کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش و اعتصاب آنها حمایت کنند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ خرداد ۹۲

۶ ژوئن ۲۰۱۳

هر ۱۰۰۰ آجر ۱۰۰۰۰ تومان هستند. کارگران قبلا این خواسته خود را به کارفرمایان این کوره پزخانه ها به صورت شفاهی اعلام کرده بودند ولی جوابی نگرفته بودند. کارگران به همراه خانواده هایشان که حدودا ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ نفر میباشند در اعتصاب هستند.

کارفرمایان کوره های آجرپزی با به جیب زدن دسترنج کارگران کوره ها سودهای کلانی نصیب خود می کنند و حتی کودکان خردسال را نیز مجبور به کار در شرایط سخت و

بر اساس خبر رسیده به کمیته کردستان حزب، روز یکشنبه ۱۲ خرداد در منطقه ساروقامیش در ۵ کیلومتری میاندوآب، کارگران قسمت دستگاههای آجرپزی دست به اعتصاب زده و خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند. حدود ۷۲ کوره پزخانه در این منطقه وجود دارد که در هر کدام به طور میانگین ۴۰ کارگر در آنها مشغول به کار هستند. در حال حاضر کارگران به ازای پخت هر ۱۰۰۰ آجر ۵۰۰۰ تومان دریافت میکنند. کارگران خواهان افزایش دستمزد به ازای پخت

با تشکر و قدردانی از آوات فرخی که مدت بیش از دو سال بعنوان همکار نشریه ایسکرا فعالیت پر ثمری را به پیش برد و با تبریک و خوش آمد گویی به فرزام کرباسی بعنوان همکار جدید نشریه ایسکرا. برای هر دوی این عزیزان آرزوی موفقیت میکنیم. ایسکرا

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!